



Woman in Culture and Arts

A Comparative Study of the Psychology of Color in the Contemporary Poetry of Iranian and Afghanistanian Women Based on Max Luscher's Theory; A Case Study of the Poems of Forough Farrokhzad and Khaleda Forough

Shafiullah Salik¹ | Mahsa Rone²

1. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Balkh, Afghanistan.
E-mail: sh.salik@edu.ikiu.ac.ir
2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.
E-mail: mrone62@hum.ikiu.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 22 April 2023

Received in revised form: 7 April 2024

Accepted: 29 May 2024

Published online: 1 October 2024

Keywords:

Comparative literature,
Color Psychology,
Forough Farrokhzad,
Khaleda Forough,
Max Luscher.

ABSTRACT

In contemporary psychology, color is regarded as one of the personality measurement criteria. This is due to the fact that each color has a special effect on the viewer's mind and body, representing their mental state. Poetry of the poet's entire mental and spiritual makeup, as it is derived from her emotions and sentiments. Max Luscher's color psychology is a method that utilizes the selection of colors to gain insight into the human psyche. This investigation has examined the poetry of Forough Farrokhzad and Khaleda Forough, two contemporary poets associated with the Romantic Movement in Iran and Afghanistan, in accordance with the aforementioned theory. The quality and extent of the use of colors in their poems demonstrate that Forough Farrokhzad's poetry prioritizes black, which reflects her inner conflicts, dissatisfaction, and disgust with the environment, as well as her depression and isolation. However, her frequent use of green in conjunction with black suggests her aspiration to alter the course of history and revolutionize society. Khaleda Forough's initial selection is green, which is a symbol of faith, freedom, and serenity. The color black, which is situated adjacent to green, is associated with tyranny, suffocation, and social unrest. The examination of the poetry notebooks of these two poets reveals that the use of calm and optimistic colors progressively replaces the use of dark colors. This demonstrates their aspiration and optimism for a more fulfilling existence, as well as their interest in implementing appropriate modifications to the image that evokes their emotions.

Cite this article: Salik, Sh., & Rone, M. (2024). A comparative study of the psychology of color in the contemporary poetry of Iranian and Afghanistanian women based on Max Luscher's theory; A case study of the poems of Forough Farrokhzad and Khaleda Forough. *Woman in Culture and Art*, 16(3), 437-457.
DOI: <https://doi.org/10.22059/jwica.2023.358006.1917>



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwica.2023.358006.1917>



انتشارات دانشگاه تهران

زن در فرهنگ و هنر

بررسی تطبیقی روان‌شناسی رنگ در شعر معاصر زنان ایران و افغانستان براساس نظریهٔ ماکس لوشر؛ مطالعهٔ موردی: اشعار فروغ فرخزاد و خالده فروغ

شفیع‌الله سالک^۱ | مهسا رون^۲۱. نویسندهٔ مسئول، دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بلخ، افغانستان. رایانامه: sh.salik@edu.ikiu.ac.ir۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. رایانامه: mrone62@hum.ikiu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقالهٔ پژوهشی	رنگ، که از معیارهای سنجش شخصیت در روان‌شناسی جدید است، تأثیری خاص بر روان و جسم بیننده برجای می‌گذارد و نمایانگر اوضاع و احوال روحی اوست. در رویکرد روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر، ترجیح در انتخاب رنگ‌ها به شناخت روان انسان‌ها کمک می‌کند. در این پژوهش، شعر فروغ فرخزاد و خالده فروغ، از شاعران معاصر جریان رمانتیک ایران و افغانستان، براساس نظریهٔ مذکور واکاوی شده است. کیفیت و میزان کاربرد رنگ‌ها در اشعار این دو شاعر نشان می‌دهد در شعر فروغ فرخزاد رنگ سیاه در انتخاب اول قرار دارد و بیانگر کشمکش‌های درونی، ناخشنودی و انزجار او از محیط و بیان افسردگی و انزوای اوست. اما کاربرد پربسامد رنگ سبز در کنار سیاه حکایت از امیدواری او برای تغییر سرنوشت و تحول جامعه دارد. انتخاب نخست خالده فروغ اما رنگ سبز - نماد ایمان، آزادی و آرامش - است و سیاه در کنار آن بیانگر استبداد، خفقان و نابسامانی‌های اجتماعی است. بررسی دفترهای اشعار این دو شاعر حاکی از آن است که اندک‌اندک طیف‌های آرام و امیدبخش جای رنگ‌های تیره را می‌گیرند و این بیانگر تمایل و امید آن‌ها به زندگی بهتر و علاقه به ایجاد تغییر برای به‌تصویر کشیدن احساساتشان است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۶	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۱/۱۹	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۹	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰	
کلیدواژه‌ها: ادبیات تطبیقی، خالده فروغ، روان‌شناسی رنگ، فروغ فرخزاد، ماکس لوشر.	

استناد: سالک، شفیع‌الله، و رون، مهسا (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی روان‌شناسی رنگ در شعر معاصر زنان ایران و افغانستان براساس نظریهٔ ماکس لوشر؛ مطالعهٔ موردی: اشعار فروغ فرخزاد و خالده فروغ. *زن در فرهنگ و هنر*، ۱۶ (۳)، ۴۳۷-۴۵۷.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwica.2023.358006.1917>DOI: <https://doi.org/10.22059/jwica.2023.358006.1917>

© نویسندگان.

ناشر: مؤسسهٔ انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

رنگ‌ها، از پدیده‌های شگفت‌هستی، انسان را احاطه کرده‌اند و آدمی همواره از آن‌ها متأثر بوده است. درحقیقت، انتخاب انسان از رنگ‌ها بیانگر خلق‌و‌خو و کلید ورود به ساختار شخصیت و عمق درون اوست؛ یعنی ترجیح یک رنگ بر رنگ‌های دیگر می‌تواند حالات روانی فرد را روشن سازد و شناسنامهٔ احساس و خواسته‌ها و سرشت او باشد؛ بنابراین در علم روان‌شناسی جدید، با دقت در کاربرد رنگ‌ها، لایه‌های پنهان شخصیت افراد را بازمی‌شناسند. «یونگ^۱، یکی از بزرگ‌ترین متفکران و روان‌پزشکان قرن بیستم، به نیروی نمادین رنگ‌ها اعتقاد داشت. او بیمارانش را تشویق می‌کرد که از رنگ در نقاشی استفاده کنند و پیوندی بین ناخودآگاه و خودآگاهشان برقرار سازند» (Sun, 2000: 58)؛ چون اندیشه و افکار شخص با توجه به جنبهٔ ذهنی رنگ‌آمیزی‌های او مشخص می‌شود و مطابقت رنگ‌های ذهنی، راهی طبیعی در شناخت فکر و احساس و عمل افراد است (Itten, 1988: 79)؛ شعر نیز که از عواطف و احساسات شاعر سرچشمه می‌گیرد، آینهٔ تمام‌نمای روانی او به‌شمار می‌رود (Ghasimzada & Nikubakht, 2003: 148). در شعر معاصر فارسی ایران و افغانستان نیز رنگ‌ها بازتاب گسترده‌ای دارند و به‌خصوص شاعران زن معاصر برای بیان اندیشه و افکار خویش از رنگ‌ها بهره برده‌اند.

در این پژوهش، با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد تطبیقی، عنصر رنگ در شعر فروغ فرخزاد و خالده فروغ، دو شاعر رمانتیک معاصر ایران و افغانستان، از منظر نظریهٔ روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر^۲ بررسی می‌شود و به این پرسش پاسخ داده می‌شود که این دو بانوی شاعر از چه خصوصیات روحی، روانی و رفتاری برخوردارند و چه شباهت‌ها و تضادهایی در آرا و اندیشهٔ آن‌ها وجود دارد. اهمیت پژوهش حاضر در این است که با مطالعهٔ روشمند و تطبیقی شعر آنان می‌توان با لایه‌های پنهان و نحوهٔ تفکرشان که متأثر از اوضاع روحی و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعهٔ آنان است بهتر و بیشتر آشنا شد.

۲. پیشینهٔ پژوهش

نظریهٔ روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر، با شهرت و نفوذ جهانی، از آزمون‌های مهم روان‌شناسی است که پس از تدوین و انتشارش به زبان‌های مختلف ترجمه شده است. این نظریه در طول سال‌ها تغییراتی یافته و تفسیر آن جامع‌تر شده، اما پیش‌فرض‌های اولیهٔ آن با گذر زمان همچنان باقی است.

1. Carl Gustav Jung

2. Max Luscher

این نظریه در ایران نیز از سال ۱۹۹۰، ترجمه و براساس آن پژوهش‌های متعددی در شعر معاصر فارسی انجام شده است.

علوی‌مقدم و پورشهرام (۲۰۱۰) در مقاله «کاربرد نظریه روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر در نقد و تحلیل شعر فروغ فرخزاد» بنابر الگوی لوشر، رنگ‌های به‌کاررفته در اشعار فروغ را بررسی و تحلیل کردند، اما در این مقاله کمیت بازتاب این رنگ‌ها دقیقاً بررسی نشده و آمارهای به‌دست‌آمده از کاربرد رنگ‌ها در مقاله مذکور با پژوهش حاضر متفاوت است. از آنجاکه بسامد کاربرد رنگ‌ها در روان‌شناسی رنگ بسیار مهم است، در پژوهش حاضر به نتیجه پژوهش علوی‌مقدم و همکاران بسنده نشد و بررسی دقیقی به‌تفکیک رنگ‌های اصلی کاربردی انجام گرفت و آمارهای به‌دست‌آمده با نتایج مقاله مذکور تفاوت قابل‌توجهی دارد که جایگاه و وضعیت رنگ‌ها را تغییر می‌دهد.

قاسم‌زاده و نیکوبخت (۲۰۰۳) در مقاله «روان‌شناسی رنگ در اشعار سهراب سپهری» کاربرد رنگ و تأثیرات رنگ‌های مختلف را در هشت کتاب سپهری بررسی کرده و نشان داده‌اند انتخاب رنگ‌های تیره در آثار اولیه او بیانگر اعتراض به سرنوشت خویش و کشمکش‌های روحی و روانی اوست. وجود رنگ‌های اصلی و روشن در کتاب چهارم به بعد نیز نشان از شخصیت بهنجار و باثبات، پویا، مطمئن، تأثیرگذار و اصلاح‌طلب او دارد. در «روان‌شناسی رنگ در مجموعه اشعار نیما»، به‌قلم مهین پناهی (۲۰۰۶)، فراوانی هشت رنگ کاربردی ماکس لوشر در مجموعه اشعار نیما واکاوی و وضعیت روانی شاعر روشن شده است. «تحلیل رنگ در اشعار شاملو براساس نظریه ماکس لوشر» به قلم محسنی و همکاران (۲۰۱۲)، «روان‌شناسی رنگ در اشعار هوشنگ ابتهاج براساس آزمایش ماکس لوشر» نوشته فرج‌نژاد فرهنگ (۲۰۱۶) و «مقایسه عنصر رنگ در اشعار حمید مصدق و احمد شاملو براساس نظریه ماکس لوشر» به قلم طاهری و هادیان قزوینی (۲۰۲۱) نیز از دیگر پژوهش‌های انجام‌گرفته در این موضوع است.

از آنجا که تاکنون در موضوع اشعار خالده فروغ و به‌خصوص روان‌شناسی رنگ‌ها در آن، هیچ پژوهشی انجام نگرفته و به ضعف آماری و نتایج کمی پژوهش انجام‌شده در این خصوص در اشعار فروغ فرخزاد نیز اشاره شد، ضرورت انجام پژوهشی تطبیقی در روان‌شناسی رنگ‌ها در اشعار این دو شاعر زن افغانستانی و ایرانی، که از حیث بیان نمادین و عصیانگرانه مسائل زنان با صدایی زنانه شبیه هم هستند، احساس می‌شد.

۳. نظریه روان‌شناسی رنگ ماکس لوشر

در حوزه روان‌شناسی رنگ‌ها، آزمون جوهر رنگی رورشاخ^۱ و نظریه روان‌شناسی رنگ لوشر شهرت بیشتری یافته‌اند. ماکس لوشر (۹ سپتامبر ۱۹۲۳-۲ فوریه ۲۰۱۷)، روان‌درمانگر و استاد دانشگاه سوئیس، برای سنجش وضعیت روانی فرد براساس ترجیح رنگ‌ها، آزمونی ابداع کرده که در آن رنگ‌ها با تمام جزئیات زندگی انسان‌ها مرتبطند. در آزمایش او، هر رنگ مستقل از رنگ‌های دیگر و به دور از نگاه زیبایی‌شناسانه، صرفاً با نگرش روانی، بررسی می‌شوند. شخص موردنظر از میان هشت کارت رنگی، بنا به علاقه و خواست خود، به ترتیب رنگ‌هایی را برمی‌گزیند. رنگی را که بیش از همه به آن علاقه دارد، در انتخاب نخست و رنگی را که برای او کم‌اهمیت‌تر است یا از آن بی‌زاری می‌جوید در جایگاه هشتم قرار می‌دهد. چهار رنگ اصلی لوشر (آبی، زرد، قرمز و سبز) دارای ارجحیت و نشان‌دهنده احتیاجات اولیه روانی‌اند. «در آزمایش فردی دارای سلامت روانی، این رنگ‌ها در شروع ردیف رنگ یا حداقل در پنج وضعیت اول قرار می‌گیرند. در غیر این صورت نشانه نارسایی فیزیولوژی یا روانی است که هرچه به قسمت آخر ردیف رنگ اصلی نزدیک‌تر باشد باید جدی‌تر تلقی شود» (Luscher, 2020: 50). در تست لوشر، چهار رنگ فرعی هم وجود دارد که عبارت‌اند از: بنفش که ترکیبی از قرمز و آبی است، قهوه‌ای که آمیزه‌ای از زرد، قرمز و سیاه است، خاکستری که هیچ رنگی ندارد و رنگ سیاه که در واقع نفی هر رنگی است. این رنگ‌ها پس از بررسی کمیّت، نخست برحسب میزان کاربرد و فراوانی در یک ردیف قرار می‌گیرند و سپس به صورت زوج‌زوج و دوتایی گروه‌بندی می‌شوند.

۴. بررسی و تحلیل رنگ‌های کاربردی لوشر در شعر فروغ فرخزاد

شعر فروغ فرخزاد (۱۹۳۴-۱۹۶۶) روایت زندگی او از کودکی و نوجوانی تا هنگام مرگ و بازتابی از هویت شخصی اوست. زیست فروغ اساساً شاعرانه بود و از ویژگی‌های بارز شعر وی حضور متفاوت زن در آن‌ها است. زن در شعر فروغ، بیان جسورانه از عشق ناشی از جسارت خود شاعر است. فروغ در پنج مجموعه *اسیر*، *دیوار*، *عصیان*، *تولد* دیگر و *ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد*، با نگاهی ملموس و قابل‌درک از چیزهایی سخن می‌گوید که دور از دسترس نیستند و خواننده تجربه آن را داشته است یا تجربه آن در تصور او می‌گنجد.

یکی از چالش‌های فروغ که در اشعارش نیز بازتاب یافته «درگیری‌های او با قوانین و عرفیاتی است که در مجموع به ضرر زنان است. او گاهی در مقام یک زن عاصی و سرکش و ازطرفی

روشنفکر که حاضر نیست به زندگی عادی و مظلومانه زن ایرانی تن دردهد» (Shamisa, 1997: 170)؛ مثلاً موضوع اصلی شعر اسیر در دفتر/اسیر، اسارت در زندان خانه است و «شعر از زبان یک زندانی بیان می‌شود که نه امید رهایی دارد و نه توان گریز» (Moshref Azad Tehrani, 1997: 60). فروغ به‌عنوان شاعری رمانتیک در آغاز غیرفعال و با تمرکز بر عواطف شعر می‌سراید، اما پس از مدتی رمانتیسیسمی فعال و اراده‌گرا در شعرش تجلی می‌یابد که نهایتاً به «عصیان» – تم مرکزی رمانتیسیسم انقلابی – می‌انجامد (Dastgheib, 2006: 38).

بررسی فراوانی رنگ‌ها در شعر فروغ نشان می‌دهد سه دفتر نخستین او/اسیر، دیوار و عصیان سراپا پوشیده از رنگ سیاه است که با نشان دادن زوج‌های رنگی براساس نظریه لوشر تحلیل کیفی دقیق‌تری نیز از آن بیان خواهد شد. نمودار فراوانی (جدول ۱) نشان می‌دهد رنگ سیاه بیشترین کاربرد را در اشعار فروغ دارد و بازتاب رنگ‌های دیگر در اشعار او کمتر است.

جدول ۱. فراوانی و درصد رنگ‌ها در شعر فروغ فرخزاد

رنگ	سیاه	سبز	زرد	آبی	قرمز	بنفش	خاکستری	قهوه‌ای	مجموع
فراوانی	۵۹	۴۵	۲۲	۲۱	۱۹	۳	۱	۰	۱۷۱
درصد	۳۵	۲۶	۱۳	۱۲	۱۱	۲	۱	۰	۱۰۰

با در نظر گرفتن کمیت رنگ‌های کاربردی لوشر در شعر فروغ فرخزاد، چهار زوج زیر حاصل می‌شود:

سیاه (۷) + سبز (۲)	زرد (۴) × آبی (۱)	قرمز (۳) = بنفش (۵)	خاکستری (۰) - قهوه‌ای (۶)
--------------------	-------------------	---------------------	---------------------------

و حال هر زوج به‌صورت جداگانه بررسی و وضعیت و عملکردهای شاعر در هر گروه تحلیل می‌شود.

۴-۱. تحلیل وضعیت شاعر در گروه نخست: ۷+۲ (سیاه+سبز)

سیاه (+۷): براساس نظریه ماکس لوشر، انتخاب رنگ مشکی در گروه نخست بیانگر این است که شخص وضع موجود را برخلاف میل خود و طاقت فرسا می‌بیند، اما اجازه نمی‌دهد هیچ چیز بر افکارش تأثیر منفی بگذارد و به تلاشش ادامه می‌دهد (Luscher, 2020: 153). فروغ فرخزاد نیز با رنگ سیاه، در نخستین انتخاب، تصاویر مبهم و اندوه‌باری ساخته است. رنگ سیاه که نماد غم و اندوه، ترس و دلهره، رازداری، ابهام و یادآور شب، اسرار پوشیده، ظلمت، سوگواری، سکوت و مرگ دانسته شده (Shujayei, 2017: 96)، در اشعار فروغ این‌گونه رخ نموده است:

شب در اعماق سیاهی‌ها / مه چو در هاله‌ راز آید
نگران دیده به ره دارم / شاید آن گمشده باز آید
(Farrokhzad, 2003: 53)

دل گمراه من چه خواهد کرد / با بهاری که می‌رسد از راه
یا نیازی که رنگ می‌گیرد / در تن شاخه‌های خشک و سیاه
(Ibid: 183)

شاعر شاید چون درابتدای زندگی‌اش با سیاهی روبه‌رو است، خط عشقی را که رهگذران بر کلبه‌ زندگی او کشیده‌اند، سیاه می‌بیند:

بر جدار کلبه‌ام که زندگی است/ با خط سیاه عشق یادگارها کشیده‌اند (Ibid: 204)
او، درنهایت اضطراب، خود را در تاراج وزش‌های سیاه دانسته و ناامیدانه و مردّد به‌وجود نور نگریسته است:

من به آوار می‌اندیشم/ و به تاراج وزش‌های سیاه/ و به نوری مشکوک (Ibid: 247)
فروغ با مترادفات سیاه همچون ظلمت، تاریکی و تیرگی نیز تصویرسازی کرده است:

در سیاهی پیش می‌آمد / جسمش از ذرات ظلمت بود
چون به من نزدیک‌تر می‌شد / ورطه‌ تاریک لذت بود
(Ibid: 86)

رفتم که گم شوم چو یکی قطره اشک گرم / در لابه‌لای دامن شبرنگ زندگی
رفتم که در سیاهی یک گور بی‌نشان / فارغ شوم ز کشمکش و جنگ زندگی
(Ibid: 42)

سبز (+۲): فرارگیری سبز در گروه نخست، از دید لوشر، یعنی شخص با وجود دشواری‌ها می‌کوشد، با اراده‌ محکم و قدرتِ تصمیم‌گیری، جایگاه خود را حفظ کند. همچنین او می‌خواهد بر مخالفت‌ها غلبه کند تا دیگران به ارزش وی پی ببرند (Luscher, 2020: 144). انتخاب دوم فروغ فرخزاد سبز است و این رنگ نماد رشد، احساسات، امید و باروری و «رنگ نیرو و عمر طولانی و جاودانگی است» (Chevalier & Gheerbrant, 2003: 518). در شعر فروغ نیز این رنگ بیانگر امید و آرامش است و بسامد این رنگ بعد از رنگ سیاه یعنی شاعر، با وجود ابراز ناامیدی، هنوز نقطه‌ امید می‌جوید و با ترکیباتی مانند «خط سبز تخیل»، «خاطرات سبز»، «شاخه‌ سرسبز حیات» و... خاطرات خوب گذشته و تصاویر ذهنی‌اش را بیان می‌کند.

انگار در مسیری از تجسم پرواز بود که یک روز آن پرنده‌ها/ نمایان شد/ انگار از خطوط سبز
تخیل بودند (Ibid, 2003: 312)

ای سرپایت سبز/ دست‌هایت را چون خاطره‌ای سوزان در دستان عاشق من بگذار/ ... باد ما را
خواهد برد (Ibid: 209)

کاش از شاخه سرسبز حیات گل اندوه مرا می‌چیدی
کاش در شعر من ای مایه عمر شعله راز مرا می‌دید
(Ibid: 116)

البته این رنگ در شعر فروغ، به عنوان شاعری تحول‌خواه، در نهایت در پیوند با نور، به تقدس
می‌رسد.

می‌تواند کاری کند که لامپ «الله» که سبز بود؛ مثل صبح سحر سبز بود/ دوباره روی آسمان
مسجد مفتاحیان/ روشن شود (Ibid: 340)

در شعر تولدی دیگر، شاعر با اطمینان در جست‌وجوی سبز کردن و جوانه‌زدن افکار خود است و
دست‌ها و قلم نمادی از افکار او هستند:

دست‌هایم را در باغچه می‌کارم/ سبز خواهد شد می‌دانم می‌دانم می‌دانم (Ibid: 304)
همچنین پوشیدن پیراهن سبز، از تجلیات زنانگی‌های فروغ در استفاده از این رنگ است.
چنان که او می‌گوید:

دیروز به یاد تو و آن عشق دل‌انگیز بر پیکر خود پیرهن سبز نمودم
(Ibid: 56)

سیاه+سبز (۲+۷): این زوج در گروه نخست (گرایش و تمایل) نشانه ایستادگی فرد در برابر هر
نوع محدودیت و پایبندی بر عقاید خود و دلیلی بر استقلال فکر و عمل خود است (Luscher, 2020: 154)؛ بنابراین او می‌خواهد اثبات کند که مشکلات و دشواری نمی‌توانند در او تأثیر منفی
بگذارند و در نتیجه با شدت عمل رفتار می‌کند و برای اثبات عقایدش حاضر است تا پای مرگ برود
(Luscher, 2020: 146).

۲-۴. تحلیل وضعیت شاعر در گروه دوم: ۴ × ۱ × (زرد + آبی)

زرد (*۴): انتخاب این رنگ در گروه دوم یعنی فرد مجذوب تازگی‌ها می‌شود و در معرض
خسته‌شدن از یکنواختی است (Luscher, 2020: 162). سومین رنگ کاربردی لوشر در شعر فروغ

فرخزاد، زرد، روشن‌ترین رنگ‌ها و از لحاظ سمبلیک مرتبط با فهم و دانایی و نشان دانش و معرفت است. این رنگ نماد نور و خورشید، پادشاهی و سلطنت، آخرت و شگفتی است و بهترین کاربرد آن را هاله طلایی، که هیکل مقدسان را منور می‌ساخت، می‌دانند (Itten, 1988: 210). در اشعار فروغ، زرد روشن به همین مفهوم به کار رفته و او می‌گوید:

ز آنجا نگاه خسته من پر زد / آشفته گرد پیکر من چرخید
در چارچوب قباب طلایی‌رنگ / چشم مسیح بر غم من خندید
(Farrokhzad, 2003: 174)

می‌گریزم از تو تا دور از تو بگشایم / راه شهر آرزوها را / و درون شهر... / قفل سنگین طلایی قصر
رؤیا (Farrokhzad: 140).

در ایران رنگ زرد بار منفی نیز دارد و نشانگر یأس و ناامیدی و بیماری است. علت آن بیماری «یرقان» بوده که به زردی شهرت داشته است (Aliakbarzadeh, 1999: 70). در شعر فروغ نیز زرد نشانگر یأس و پژمردگی است.

کاش چون پاییز خاموش و ملال‌انگیز بودم / برگ‌های آرزویم یکایک زرد می‌شد (Farrokhzad, 2003: 109).

پنجره باز و در سایه آن / رنگ گل‌ها به زردی کشیده
پرده افتاده بر شانه در / آب گل‌دان به آخر رسیده
(Ibid: 72)

آبی (۱×): انتخاب رنگ آبی در گروه دوم مبین این است که «فرد در رویارویی با مشکلات به آرامی و با کمترین ناراحتی عمل می‌کند و دوست دارد دیگران در کنار او احساس راحتی و آسایش کنند» (Luscher, 2020: 158). آبی چهارمین رنگ انتخابی فروغ است؛ رنگی نماد حکمت، آرامش کامل، احساسات دینی، امنیت و پاکی معنوی و مرتبط با حقیقت (Esmailpour, 2008: 22) که سکون و درون‌گرایی به این رنگ حالت خدایی بخشیده (Ayatollahi, 2020: 154) و آن را نماد آگاهی روحانی و نزدیکی به خداوند کرده است (Bassano, 2004: 59). در شعر فروغ نیز، آبی نمایانگر رسیدن به آرامش و احساس عمیق و در پیوند با پاکی و مهر است:

باز می‌شود به سوی این وسعت مهربانی مکرر آبی‌رنگ / یک پنجره که دست‌های کوچک تنهایی
را / از بخشش شبانه عطر ستاره‌های کریم / سرشار می‌کند (Farrokhzad, 2003: 327)

چرا توقف کنم؟/ پرنده‌ها به جست‌وجوی جانب آبی رفته‌اند.../ و در حدود بینش سیاره‌های نورانی می‌چرخند (Ibid: 344)

یک روز بلند آفتابی	در آبی بیکران دریا
امواج تو را به من رساندند	امواج ترانه بار تنها

(Ibid: 89)

در شعر فروغ رنگ آبی انتقال‌دهنده حس بد و سرد نیز هست:
و مرگ روی آن ضریح مقدس نشسته بود/ که در چهار زاویه‌اش ناگهان چهار لاله آبی/ روشن شدند (Ibid: 325)

شعله می‌کشد به ظلمت شبیم	آتش کبود دیدگان تو
ره میند... بلکه ره برم به شوق	در سراچه غم نهان تو

(Ibid: 106)

زرد×آبی (۱×۴): از دید لوشر، این زوج در گروه دوم (وضع واقعی و هدف مورد نظر امور) بدین معنی است که شخص خواستار روابط صمیمی با دیگران است و به راحتی از عواطف دیگران متأثر می‌شود (Luscher, 2020: 162). بنای او بااراده و سازگار است و در کنار دیگران احساس امنیت و آرامش می‌کند (Ibid: 158).

۳-۴. تحلیل وضعیت شاعر در گروه سوم: ۳=۵= (سرخ+ بنفش)

سرخ (۳=): براساس نظریه لوشر شخصی که رنگ سرخ را در گروه سوم انتخاب می‌کند نیازمند آرامش روانی است و می‌خواهد پس از اضطراب شدید به آرامش برسد (Luscher, 2020: 174). انتخاب پنجم فروغ فرخزاد رنگ سرخ است. این رنگ نماد فداکاری، شوریدگی، خورشید، آتش، قدرت و سلطنت است (Esmailpur, 2008: 22) و از رنگ‌های اصلی، دارای طبیعت بسیار مثبت و از بین‌برنده منفی‌گرایی در افکار و احساسات شمرده می‌شود (Dee & Taylor, 2008: 12). در شعر فروغ، رنگ قرمز با شور و بی‌قراری پیوند دارد. او حتی اضطراب خود را با این رنگ به تصویر می‌کشد:

من خواب دیده‌ام که کسی می‌آید/ من خواب یک ستاره قرمز دیده‌ام/ و پلک چشمم هی می‌پرد
(Farrokhzad, 2003: 338)

من سردم است و می‌دانم که از تمامی اوهام یک شقایق سرخ وحشی/ جز چند قطره خون/ چیزی به جا نخواهد ماند (Ibid: 313)

رنگ سرخ در شعر فروغ غالباً نماد عشق و شهوت است؛ چنان که با به‌کاربردن گیلاس سرخ، گل سرخ و لب لاله‌گون، همراه با شیطنتهای دخترانه، از آن‌ها استفاده زنانه می‌کند که او را به لذتی به نام شوق زیستن پیوند می‌دهد:

گوشواری به دو گوشم می‌آویزم/ از دو گیلاس سرخ همزاد (Ibid: 304)

او مرا برد به باغ گل سرخ/ و به گیسوهای مضطربم در تاریکی گل سرخی زد (Ibid: 274)

بنفش (=۵): از دید لوشر، فردی که بنفش را در گروه سوم انتخاب می‌کند غالباً خودمحور، تهاجمی، حساس و احساساتی است، اما آن را کمتر بروز می‌دهد (Luscher, 2020: 177). این رنگ در شعر فروغ صرفاً سه بار آمده و نمایانگر خرسندی ناپایدار و زودگذر است:

انگار آن شعله بنفش که در ذهن پاک پنجره‌ها می‌سوخت/ چیزی به جز تصور معصومی از چراغ نبود (Farrokhzad, 2003: 312)

آیا دوباره گیسوانم را/ در باد شانه خواهم زد؟/ آیا دوباره باغچه‌ها را بنفشه خواهم کاشت؟ (Ibid: 314)

تو دره بنفش غروبی که روز را
بر سینه می‌فشاری و خاموش می‌کنی
در سایه فروغ تو بنشست و رنگ باخت
او را به سایه از چه سیه‌پوش می‌کنی؟
(Ibid: 210)

سرخ = بنفش (بنفش = ۵): وجود این زوج در گروه سوم (بی‌اهمیتی و بی‌اعتنایی) نشانه خودمحوری و تهاجمی بودن فرد است که اگر نیازها و آرزوهایش برآورده نشود، دچار اضطراب تنهایی می‌شود (Luscher, 2020: 175).

۴-۴. تحلیل وضعیت شاعر در گروه آخر: ۰-۶- (خاکستری+قهوه‌ای)

خاکستری (۰-): با انتخاب این رنگ در گروه آخر، شخص احساس می‌کند زندگی چیزهای بیشتر و تازه‌تری برای دیدن و درک کردن دارد. او در پی کشف اسرار زندگی و اهداف خود است (Ibid: 182). خاکستری غالباً بیانگر گوشه‌نشینی، مسئولیت‌گریزی، ابهام، بی‌اعتنایی، غم و دلتنگی، سکوت و نوعی تشویش و اضطراب است (Shujayei, 2017: 83). در اشعار فروغ، این رنگ صرفاً یک بار آمده است:

شب به روی شیشه‌های تار/ می‌نشست آرام، چون خاکستر تبار/ باد نقش سایه‌ها را در حیاط خانه هر دم زیرورو می‌کرد (Farrokhzad, 2003: 89)

قهوه‌ای (۶-): فردی که این رنگ را در گروه اخیر انتخاب کند، نیازی برآورده نشده به دوستی و معاشرت با کسی با معیارهای عالی است و از افراد عادی کناره‌گیری می‌کند. این برتری‌جویی موجب انزوای او و مانع فعالیت‌هایش می‌شود (Luscher, 2020: 220). این رنگ در شعر فروغ کاربرد مستقیم ندارد.

خاکستری - قهوه‌ای (۶-۰): اگر این زوج در گروه اخیر (عدم تمایل یا گریز) قرار گیرد، یعنی شخص وضع موجود را برخلاف میلش می‌داند؛ بنابراین از داشته‌هایش لذت کافی نمی‌برد و زندگی را برای خویش محدود می‌سازد و این حالت انزوا او را تسلیم و جذب فردی دیگری می‌کند (Ibid: 221). همچنان او دنبال جلب توجه و احترام دیگران است (Ibid: 187).

۵. بررسی و تحلیل رنگ‌های کاربردی لوشر در شعر خالده فروغ

خالده فروغ متولد ۱۹۷۰ در کابل، از شاخص‌ترین شاعران معاصر زن افغانستان، دارای زبانی روان در سرایش شعر و جرئت و جسارت در بیان تفکرات و احساسات زنانه است. او همچنین منتقد و پژوهشگر شعر و ادبیات و عضو انجمن قلم افغانستان نیز هست. خالده بیشتر قالب‌های شعر امروز را آزموده و غزل‌های او زبان و هنجار مدرن و تازه دارند؛ البته اخیراً گرایش بیشتری به شعر نیمایی داشته است (Qavim, 2008: 180). مجموعه اشعار «قیام میترا»، «پنجره بر فصل صاعقه»، «سرنوشت دست‌های نسل فانوس»، «عبور از قرن قابیل» و «فردای من اتفاق می‌افتد در دیروز» از آثار منتشرشده اوست (Sorvati, 2007: 343).

رنگ‌ها در شعر خالده فروغ بیشتر وجوه نمادین یافته‌اند؛ زیرا او «در زمان و زمینی زیست دارد که زن را حتی در سکوت سنگین بر نمی‌تابند؛ چه رسد به لحظه‌ای که این تندیس کبود، از پشت میله‌های تاریک و سیاه سرنوشت خویش به مویه بعضی بترکاند» (Qavim, 2008: 179)؛ بنابراین او با کاربرد نمادین رنگ‌ها تنفرش از فضای پرآشوب و نابرابر را نشان می‌دهد و برای آزادی و برابری می‌رزم. در مجموعه اشعار وی - قیام میترا، سرنوشت دست‌های نسل فانوس و عبور از قرن قابیل - درصد و فراوانی کاربرد رنگ‌ها در اشعار او بررسی و نمودار فراوانی آن ترسیم و سپس گروه‌بندی می‌شود.

جدول ۲. فراوانی و درصد رنگ‌ها در شعر خالده فروغ

رنگ	سبز	سیاه	سرخ	آبی	زرد	خاکستری	بنفش	قهوه‌ای	مجموع
فراوانی	۴۹	۲۳	۱۷	۹	۸	۷	۲	۰	۱۱۵
درصد	۴۳	۲۰	۱۵	۸	۷	۶	۱	۰	۱۰۰

با توجه به رنگ‌های کاربردی لوشر در شعر خالده فروغ، چهار زوج زیر را خواهیم داشت:

سبز (+۲) + سیاه (۷) سرخ (۳) × آبی (۱) زرد (۴) = خاکستری (۰) بنفش (۵) - قهوه‌ای (۶)

در ادامه هر زوج به صورت جداگانه بررسی و وضعیت و عملکردهای شاعر در هر گروه تحلیل می‌شود.

۵-۱. تحلیل وضعیت شاعر در گروه نخست: ۲+ +۷ (سبز + سیاه)

سبز (+۲): قرارگرفتن رنگ سبز در گروه نخست یعنی شخص با وجود اوضاع دشوار می‌کوشد با اراده محکم و قدرت تصمیم‌گیری استقلال عملش را حفظ کند و با غلبه بر مخالفت‌ها ارزش خود را به دیگران نشان دهد (Luscher, 2020: 144). سبز نخستین انتخاب خالده فروغ است. «سبز مفهوم آزادی و رهایی را در خود دارد، حس آبادانی را القا می‌کند و سمبل زندگی است» (Khwajapur et al., 2012: 32). او می‌گوید:

نسل صبور ناجو سبز و غیور ماند؟
اینجا گذر ندارد اندیشه بهاران
(Forough, 2000a: 38)

درخت سبزترین عشق در حصار شب است
خروش سبز چرا برتر از حصار نکرد
(Forough, 2000b: 41)

سخن بگوی / و رخس کلام سبزت را / هماره زین کن و با من ز عشق گرد برآر / که قهرمانی گامت غرور بادیه‌هاست (Forough, 2000a: 48)

رنگ سبز به‌عنوان تداعی گر امیدواری، شکوفایی و قدرت، اعتدال، تعقل و آرامش خردمندانه نیز در شعر خالده فروغ آمده است:

از کجا می‌نگری / که اقاها بوی آزادی می‌دهند / و دریچه مرا سبز می‌کنند / ورنه هوا هوای باروت است (Ibid: 7)

و قلب پرهیزگار خویش را / بر گردن شب‌هایش آویزه باید کرد / مرا با سبز بودن / و سپیدخواندن چه کار؟ (Forough, 2000b: 22)

در اشعار خالده فروغ، این رنگ نمایانگر معرفت و آگاهی و کمال و معنویت نیز هست: و من گفتم برای او / ارادتمند افکار تو هستم / چرا که تو / سخاوتمندتر از آفتابی / تو که تو سبزتر از برگ ناژویی (Forough, 2012: 80)

عاشق شده این جامعه سبز تفکر تا بیرق ایمان مرا عشق بیفراست
(Ibid: 12)

سیاه (+۷): سیاه، به عنوان دومین رنگ کاربردی لوشر، در شعر خالده فروغ بیانگر ناامیدی و بدگمانی است: اینجا زبان زندگی وارونه در کار است / در آن الفبای سیاه مرگ تدریجی‌ترین را / جاگزین کردند (Forough, 2000b: 10).

کجاست آنکه درین شهر پرغبار سیاه به راهش آینه چشم خویش بگذارم
(Ibid: 37)

دختران! شناسنامه‌هایتان / شامنامه عداوت است... / این چنین اگر یقینتان سیاه ماند / سنگفرش می‌شوید (Forough, 2000a: 4)
علی صبح را سلام / که از حقیقت صدای خویش کرده است جاری‌ام / محمد شگرف آفتاب را درود / که در میان خانه سیاه فکر من / رسیده است / و من از آن روشنایی‌ام (Ibid: 10)
سبز+سیاه (+۲+۷): از دید لوشر، این زوج در گروه اول (گرایش و تمایل) بیانگر ایستادگی فرد در برابر موانع است و می‌خواهد نشان دهد که مشکلات بر او تأثیر منفی ندارند (Luscher, 2020: 154).

۵-۲. تحلیل وضعیت شاعر در گروه دوم: ۳×۱ (سرخ+ آبی)

سرخ (۳×): فردی که این رنگ را در گروه دوم انتخاب کند وظایف و فعالیت‌هایش را به‌طور احسن انجام می‌دهد، اما حس می‌کند به اندازه تلاش‌هایش نتیجه نگرفته است (Ibid: 160). سومین رنگ کاربردی لوشر در شعر خالده فروغ رنگ سرخ است که نمایانگر نیروی حیات و فعالیت عصبی و غددی و نشان‌دهنده اشتیاق شدید است. این رنگ در شعر خالده فروغ تداعی‌گر آزادی و ایستادگی است:

من از هر قطره اشکم نهالی بارور کردم / و برگ قرمزین این نهالک‌ها بهاری هست و تاریخی است / ببین تا آن ستاره می‌رسی اما جوان اما پر از آهنگ آزادی (Forough, 2000a: 31)

در این مرز تاریک / از دیوارهای سنگی بلند / گل‌های سرخ می‌شکفند (Ibid: 94)
 همچنین این رنگ بیدارکننده احساسات و هیجانات عاشقانه و عاملی مؤثر در سازندگی و تشدید
 رویش گیاهان و بیانگر هیجان است (Itten, 1988: 214). خالده فروغ می‌گوید:
 وقتی نامم را چونان گل سرخی در گلدان زمان می‌گذاری / و از زبانت می‌شکفد: خالده! / من
 اسطوره می‌شوم (Forough, 2000a: 24).

دست اندیشه ما پر ز گل سرخ وفاست بر سر نخل هوای تو شباویز شدیم
 (Forough, 2000b: 42)

آبی (۱×۱): انتخاب رنگ آبی در گروه دوم مبین رویارویی آرام فرد با مشکلات است. همچنین با
 انتخاب آبی می‌گوید که دوست دارد دیگران در کنارش احساس راحتی و آرامش کنند (Luscher,
 2020: 158). چهارمین انتخاب خالده فروغ نیز رنگ آبی است که تداعی‌گر ایمان و معنویت و
 فضای لایتناهی روحانی است:

هماره مسجد اندیشه‌ها آبی باد و بارگاه غرور تو آفتابی باد
 (Forough, 2000a: 42)

مہتاب دل شکسته آتش گرفته من و آسمان شام تفکر کبود تو
 (Forough, 2012: 59)

رنگ آبی به دلیل تشابه به دریا و آسمان، مظهر آرامش و سکون و از حیث سمبلیک شبیه آب
 آرام، خلق و خوی آرام، طبیعت زنانه و روشنی است (Khwajapur et al., 2012: 23). در شعر خالده
 نیز آبی بیانگر آرامش است:

غزل‌های بلند آفرینش هست و وحی عشق خروش جبرئیل آبی پندار دریاها
 (Forough, 2000b: 57)

سرخ × آبی (۱×۳): این زوج در گروه دوم (وضع واقعی و هدف مورد نظر امور) نشان می‌دهد
 فرد دنبال درک متقابل، دوری از اختلاف و نفاق و طالب همکاری با دیگران است (Luscher,
 2020: 158).

۵-۳. تحلیل وضعیت شاعر در گروه سوم: $\ominus = \oplus$ (زرد + خاکستری)

زرد ($\ominus = \oplus$): انتخاب این رنگ در گروه سوم یعنی شخص دارای عقیده راسخ و استوار و امیدهای واقع‌بینانه است. پنجمین انتخاب خالده فروغ رنگ زرد است که بیانگر یأس و ناامیدی است:

من از روحانی مه شام‌های زرد پاییزی گرفتم فیض تا استاره باشم اوج تقوا را
(Forough, 2000b: 52)

دسته‌های زرد انده بعد ازین کرسی‌نشین باغچه هستند/ بر درختان هزاران ساله‌اش سیم‌رغ‌ها خوابند/ از عدالت سوره پرواز یک پروانه را اینجا نمی‌خوانند (Ibid: 8)
اما زرد طلایی (رنگ خورشید) یادآور امید، شکوه اشراق، بی‌مرگی، خدا، ماده متشکله حیات و نماد ایزدبانوان است (Ghasemi, 2010: 26). در شعر خالده فروغ نیز رنگ طلایی با امید پیوند دارد:

ای عشق! ای امید طلایی/ اندیشمندتر ز نگاهت برای من/ حتی گشادگی جبین چراغ نیست
(Forough, 2012: 16)

خاکستری ($\ominus = \oplus$): خاکستری در گروه سوم نشانه تمایل فرد به همکاری با دیگران و دفاع از باورهای خود است (Luscher, 2020: 169). این رنگ پنج بار به صورت صریح در آثار خالده فروغ آمده است؛ رنگی خنثی که از اطرافش ماهیت می‌یابد و متعادل و موزون و بی‌اعتنا و دال بر احساس گوشه‌نشینی و غم و تشویش است:

و پایتخت شعر/ بدل می‌شود/ به رؤیایی شاهدختی/ در یک اسطوره خاکستری (Forough, 2000a: 18).

نیامده است کسی از تبار خاکستر چه گویم از دل آواره‌ای که سوخته است
(Ibid: 46)

آهسته می‌خوانم/ شعر بلند کاج‌های در حصار سرد گمنامی دنیا را/ در سرزمین خواب و خاکستر/
حرف از نهالی نیست (Forough, 2000b: 10)

زرد = خاکستری ($\ominus = \oplus$): این زوج در گروه سوم (بی‌اهمیتی و بی‌تفاوتی) تمایل فرد به برقراری روابط صمیمی و نزدیک با دیگران را نشان می‌دهد و از تضاد و اختلاف دوری می‌جوید؛ زیرا او آمال مقدسی دارد و اختلاف را آسیبی در مسیر تحقق آرزوهایش می‌داند (Luscher, 2020: 170).

۵-۴. تحلیل وضعیت شاعر در گروه آخر: ۵-۶- (بنفش+قهوه‌ای)

بنفش (۵-): قرارگیری بنفش در گروه آخر، نشانه آن است که فرد از خوش‌سلیقگی، دلپذیربودن و حساس بودن لذت می‌برد. همچنین منتقدی خوب با قدرت تحلیل منطقی است و فقط در صورت داشتن خلوص نیت کامل به دیگران اعتماد می‌کند (Ibid: 214). بنفش کم‌کاربردترین رنگ آزمون لوشر در شعر خالد فروغ است. بنفش و ارغوانی (از شیدهای رنگ بنفش) تداعی‌کننده معنویت و آرامش و تقویت‌کننده اندیشه آرام است (Dee & Taylor, 2008: 90-91). بنفش در شعر خالد فروغ در مفهوم آرامش زودگذر بازتاب یافته است:

و آن عصر بنفش و آن سرود گریه‌های کودکانه و بهانه و بهانه، صادقانه / و گفتن‌های شاد بی‌دریغانه / کسی دوستم ندارد (Forough, 2000b: 2)

ای آهوان خامش و غمگین صحراهای پندار... / امشب بیاید / با ارغوانی چشم‌های نخل‌های شعر / رخسار فروردین ایمان شگفتم را تماشاگاه سازید (Forough, 2000a: 8)

قهوه‌ای (۶-): همان‌طور که اشاره شد، انتخاب این رنگ نشانه نیازی برآورده‌نشده به معاشرت با کسانی است که همچون او معیارهای عالی دارند و همین موجب انزوای او می‌شود (Luscher, 2020: 220). این رنگ در شعر خالد فروغ کاربرد مستقیم ندارد.

بنفش - قهوه‌ای (۵-۶): این زوج در گروه آخر (عدم تمایل یا گریز) مبین آن است که شخص خواستار صلح و آرامش در جامعه و فردی باسلیقه است. وی می‌کوشد هر چیز را مطابق خواست خودش دآوری کند (Ibid: 218). همچنین به احساسات لطیف و ظریف حساس است و آرزو دارد نوعی آمیزش عمیق و مبنی بر تفاهم عاشقانه داشته باشد. او مشکل‌پسند و دوستدار زیبایی است و اجماً دارای حسی زیبایی‌شناسانه و نیازمند تمجید دیگران است (Ibid: 226).

۶. تحلیل تطبیقی رنگ‌ها در اشعار خالد فروغ و فروغ فرخزاد

شعر معاصر افغانستان روایتی از دردها، رنج‌ها و نابسامانی‌های مردم و جامعه افغانستان است. خالد فروغ نیز که در زمان و زمینی زیست دارد که زن بودن فی‌نفسه چالش‌برانگیز است، برای بازتاب این نابسامانی‌ها سرنوشت مبهم و تاریک زنان جامعه خود را نمادین و به‌مدد رنگ‌ها بیان می‌کند. بررسی نسبت انتخاب رنگ‌ها با وضعیت روانی این شاعر حاکی از تسلط اندوه بر فضای ذهنی زنی است که جنگ و نابسامانی‌های اجتماعی بر روح و روانش سایه افکنده و ناامیدش ساخته است. قرارگرفتن رنگ‌های تیره، به‌خصوص سیاه، در جایگاه اول، مؤید این مدعا است. البته طبق آمارها، در مجموعه اشعار او، رنگ‌های آرامش‌بخش و امیدآفرین اندک‌اندک در جایگاه‌های بعد از رنگ‌های تیره رخ

نموده‌اند و این یعنی با وجود همه دشواری‌ها، خالده فروغ همچنان برای تحقق زندگی بهتر می‌کوشد و امیدوار به تغییر اوضاع است. حضور رنگ‌ها در اشعار خالده، بیشتر برآمده از من اجتماعی و فریاد آزادی‌خواهانه به نشانه مبارزه و ایستادگی است.

در اشعار فروغ فرخزاد نیز حضور رنگ مشکی در گروه نخست، حاکی از نارضایتی شاعر از وضع موجود است. او با به‌کارگیری این رنگ، تصاویری مبهم و اندوه‌بار ساخته، اما وجود رنگ سبز در اشعار وی در جایگاه دوم، از تلاش او برای غلبه بر مخالفت‌ها و موانع حکایت دارد و بیانگر آن است که فروغ هنوز ناامید نیست و با وجود همه مشکلات خانوادگی و زناشویی، همچنان حضور رنگ‌های روشنی همچون سبز، زرد، آبی و سرخ، پس از رنگ سیاه، در اشعار او به مخاطب می‌گوید که هنوز شاعر نقطه‌امیدی می‌جوید. البته به‌نظر می‌رسد حضور رنگ‌ها در اشعار فروغ فرخزاد، برخلاف اشعار خالده، بیشتر بازتاب دغدغه‌های شخصی و من فردی اوست و خاستگاه اجتماعی مشترکی با یأس روشنفکرانه شاعران حزبی هم‌دوره‌اش که برآمده از رخدادهای سیاسی دهه سی بود، ندارد.

۷. نتیجه‌گیری

تحلیل رنگ‌های کاربردی لوشر در شعر این دو شاعر زن نشان می‌دهد انتخاب هردو در گروه نخست (گرایش و تمایل) زوج سیاه و سبز است. رنگ سیاه در شعر فروغ فرخزاد در وضعیت اول بیانگر کشمکش‌های درونی، ناخشنودی و انزجار او از محیط و بیان افسردگی و انزوای اوست. اما رنگ سبز در کنار سیاه، حکایت از تلاش او برای تغییر سرنوشت و امید به زندگی بهتر دارد. اما در شعر خالده فروغ، سبز نماد ایمان، آزادی و آرامش، و سیاه نماد استبداد، خفقان و نابسامانی‌های اجتماعی است؛ چون او در اجتماعی زیسته که آزادی و آرامش از آن کوچیده و سال‌ها کلاغ جنگ بر ویرانه‌های آن لانه‌گزیده است، اما او همچنان مبارزه می‌کند و به پایان این نابسامانی‌ها امید و ایمان دارد.

در شعر این دو شاعر، اندک‌اندک طیف‌های آرام و امیدبخش جای رنگ‌های تیره را می‌گیرد. زرد و آبی در گروه دوم، در شعر فروغ فرخزاد، تمایل او را به زندگی بهتر نشان می‌دهد و حاکی از علاقه او به ایجاد تغییرات مناسب و گرایش وی در به‌تصویرکشیدن احساساتش است. اما کاربرد زرد در کنار سبز، یأس و امید همپای هم در ذهن و زبان شاعر را نشان می‌دهد. زوج سرخ و آبی در گروه دوم در شعر خالده فروغ مبین آن است که او برای زندگی استوار بر آزادی و آرامش مبارزه می‌کند. انتخاب زوج قرمز و بنفش در گروه سوم (بی‌اهمیتی و بی‌اعتنایی) بیانگر این است که فروغ فرخزاد تا حدودی احساس انزوا دارد و دچار اضطراب و ناامیدی است. اما انتخاب خالده فروغ در این گروه،

زوج زرد و خاکستری است؛ یعنی او خواستار برقراری روابط صمیمی و نزدیک با دیگران است و از اختلاف دوری می‌جوید؛ شاید چون او آرزوهایی مقدس دارد. سرانجام انتخاب زوج خاکستری و قهوه‌ای در گروه آخر نشان می‌دهد که فروغ فرخزاد وضع موجود را برخلاف میل خود می‌داند و حس می‌کند نادیده گرفته شده است؛ بنابراین از داشته‌های خویش لذت کافی نمی‌برد. اما انتخاب خالده فروغ در این گروه، زوج بنفش و قهوه‌ای است که نشان می‌دهد او خواستار صلح و آرامش در جامعه بوده تا همه بتوانند به اتفاق یکدیگر در فضایی صمیمی زندگی کنند.

۸. تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اظهار می‌دارند که این اثر در هیچ نشریه دیگر به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های تحقیقی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این پژوهش طبق قوانین و مقررات اخلاقی صورت گرفته و در آن هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

References

- Alavi Moghadam, M., & Pourshahram, S. (2010). The theory of max luscher's psychology in the analysis of forough farrokhzad's poetry. *Persian Language And Literature Researches*, 46(2), 84-94. (In Persian) https://rpll.ui.ac.ir/article_19259.html
- Aliakbarzadeh, A. (1999). *Color and breeding* (2nd Ed.). Tehran: Misha. (In Persian)
- Ayatollahi, H. (2020). *Theoretical foundations of visual arts*. (15th Ed.). Tehran: Samt. (In Persian)
- Bassano, M. (2004). *Healing with music and color*. Translated by: A. Gargari. Tehran: Arsbaran. (In Persian)
- Chevalier, J., & Gheerbrant, A. (2003). *Dictionary of symbols* (3rd ed.). Translated by: S. Fazayili. Tehran: Jaihoun. (In Persian)
- Dastghib, A. A. (2006). *Little fairy of the sea* (Analysis of forough farrokhzad's poetry). Tehran: Amitis. (In Persian)
- Dee, J., & Taylor, L. (2008). *Colour therapy*. Translated by: M. Ganji. Tehran: Savalan. (In Persian)
- Esmailpur, A.Q. (2008). *Mythology, symbolic expression*. (2nd Ed.). Tehran: Soroush. (In Persian)

- Faraj Nejad Farhang, Z. (2016). Color psychology in Houshang Ebtahaj's poems based on max luscher's theory. *Baharestan Sokhan*, 13(31), 155-180. (In Persian)
- Farrokhzad, F. (2003). *A collection of poems by forough farrokhzad* (2nd Ed.). Tehran: Negah. (In Persian)
- Forough, K. (2000a). *The fate of the hands of the lantern generation (collected poems)*. Peshawar: Mivand. (In Persian)
- Forough, K. (2000b). *Passing through the century of Cain (collected poems)*. Peshawar: Mivand. (In Persian)
- Forough, K. (2012). *The rise of metra and some other dreams (collected poems)* (2nd Ed.). Kabul: Afghanistan Pen Association. (In Persian)
- Ghasemi, R. (2010). *Color, ruler of culture*. Qom: Darul Alim. (In Persian)
- Ghasimzada, S. A., & Nikubakht, N. (2003). Color psychology in Sohrab Sepehri's poems. *Literary Research*, 1(2), 145-165. (In Persian)
- Itten, J. (1988). *Color book*. Translated by: H. Halimi. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Persian)
- Jalali, B. (2001). *The wind blows in the alley (especially Forough Farrokhzad)*. Tehran: Rouzegar. (In Persian)
- Khwajapur, M., Samandi, S., Abdullahi, F., & Tabesh, S. (2012). *Color, psychology of life*. Tehran: Sabzan. (In Persian)
- Luscher, M. (2020). *The luscher color test* (32nd Ed.). Translated by: W. Abizada. Tehran: Liusa. (In Persian)
- Mohseni, M., Piroz, G. R., & Pour-Ali, M. (2012). Analysis of color in Shamlou's poems based on max luscher's theory. *The 6th National Literary Research Conference, Shahid Beheshti University*. (In Persian)
- Moshref Azad Tehrani, M. (1997). *The fairy princess of poetry*. Tehran: Saless. (In Persian)
- Panahi, M. (2006). Color psychology in Nima's poem collection based on Max Luscher's color theory. *Literary Research*, 3(12, 13), 49-82.
<http://dorl.net/dor/20.1001.1.17352932.1385.3.12.3.9> (In Persian)
- Qavim, A. Q., (2008). *A review of contemporary Dari literature; from 1880 to 2001* (2nd Ed.). Kabul: Saaid. (In Persian)

- Servati, B. (2007). *Muyahayee pamir* (Persian poetry in Afghanistan today). Tehran: Al-Huda. (In Persian)
- Shamisa, S. (1997). *A look at Forough* (3rd Ed.). Tehran: Morvarid. (In Persian)
- Shojayei, H. (2017). *Comparative symbology* (5). Tehran: Shahre Pedram. (In Persian)
- Sun, H. D. (2000). *Colour your life, psychology and therapy with colors*. Translated by: N. Safarianpur. Tehran: Asatir. (In Persian)
- Taheri, H., & Hadian Qazvini, M. (2021). Comparison of the element of color in the poems of hamid mosaddegh and ahmed shamlou based on max luscher's theory. *Shahid Bahonar Kerman University Journal of Comparative Literature*, 13(25), 145-177. (In Persian)